

آذَرَبَايْجَان

تهیه و تنظیم: سودابه روزبهان- زنجان

۷ دی ۱۳۸۴

آذربایجان دموکرات فرقه سینین ناشر افکاری

۷- جی نمره

بشینیجی دؤور

فاجعه «پوریم» به عنوان بزرگترین واقعه تمدن سوز تاریخ بشر، به دستور داریوش هخامنشی به وقوع پیوسته است!

ناصر پور پیرار به عنوان یکی از فارس زبانان و مورخین دگراندیش تاریخ باستان ایران چهره ای شناخته شده است. سلسله کتابهای او تحت عنوان کلی «تاملی در بنیان تاریخ ایران؛ دوازده قرن سکوت» موجب بروز مباحثات و مناقشات شدیدی در میان مورخین موافق و مخالف وی شده است. موافقین او معتقدند که به دلیل این قبیل روشنگریهای، پور پیرار دچار انواعی از حملات رسمی و غیر رسمی شده است. دو جلد از کتابهای اخیر وی از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ممنوع النشر شده و خود او نیز جهت پاسخ گویی به تحقیقات منتشر شده تاریخی اش راهی بازداشتگاه گردیده است!

روز سه شنبه ۲۹ آذر ۸۴، ناصر پور پیرار به دعوت جمعیت اسلامی دانشجویان تورک دانشگاه زنجان در ساعت ۱۷ جهت سخنرانی در سمیناری با عنوان «تاملی بر تاریخ نگاری ایران»، وارد آمفی تئاتر مملو از جمعیت تالار «سهره وئردی» دانشگاه زنجان شد.

نخست حسن حسینعلی بعنوان یکی از دانشجویان رشته تاریخ به معرفی آثار و نظرات پور پیرار پرداخت و او را فردی دانست که به رغم مخالفتهای شدید صاحبان زر و زور و تزویر با شجاعتی که واجد پشتوانه های قوی علمی است از اندیشه و تحقیقات نوین خود در خصوص تاریخ باستان ایران دفاع می کند. سپس ناصر پور پیرار در میان تشویقهای وسیع حضار در پشت تریبون قرار گرفت.

پور پیرار اظهار داشت: «امشب سینمایی از بخش تاریخ شرق میانه و کهن را از طریق کمک گرفتن از تصاویر بیان خواهم کرد و بخش پنهان مانده تاریخ این منطقه وسیع و تمدن ساز را با زودن غبارهای ۲۵۰۰ ساله آن شرح خواهم داد. اساسا تاریخ امروز ایران روایت ایرانیان نیست. بلکه این تاریخ عبارت است از مجموعه ای از تالیفات و حکایات مورخین روس، آلمانی، انگلیسی و ایتالیائی. اگر هم مورخین ایرانی در این خصوص مطالبی نوشته اند در کل اقدامی جز تبعیت،

تدوین، بیان و انعکاس مطالب مورخان خارجی کار دیگری نکرده اند. به این ترتیب تاریخی که به دست بیگانگان نوشته شده برای شاگردان ایرانی آنها مورد پذیرش قرار گرفته و وارد کتب درسی و مراسم ملی ما شده است».

پور پیرار با اشاره به اینکه اکثریت مطلق این تاریخ نویسان یهودی بوده اند و همه آنها بدون تفاوت خاصی مطالب همدیگر را مورد تأیید قرار داده اند، می پرسد: «از چه روی تاریخ ایران برای این مورخان تا این حد جذاب بوده و به چه دلیل در خصوص تاریخ ۲۵۰۰ سال قبل این فلات، چنین اتفاق نظری جود دارد در حالیکه حتی در خصوص حوادث جنگ جهانی دوم که در همین هفتاد سال گذشته بوقوع پیوسته هرگز نمی توانیم شاهد چنین اجماع نظری باشیم؟!».

با درخواست پور پیرار مجموعه بسیار نفیس و منحصر بفردی از آثار سفالی، سنگی و فلزی مکشوفه در فلات ایران به نمایش گذاشته شد که قدمت آنها به چند هزار سال قبل از حضور هخامنشیان در ایران می رسد و نشانگر حیات و بالندگی تمدنهای عموماً ناشناخته ای در چهار گوشه فلات ایران می کرد. او اظهار داشت: «شرق میانه کهن، مادر تمدن بشری است و مهد تمدنهایی است که سراغ آنها را می توان از هفت هزار سال پیش در گستره وسیعی از مصر تا شرق فلات ایران گرفت».

پور پیرار معتقد است: «شرق میانه کهن کلید تمدن امروز بشری است چرا که تمدنهای دیرین این سرزمین شامل تجمعات پیشرفته، سیستمهای متری آبیاری، خدایان متعدد و افسانه های جذاب، معابد زیبا، سفالهای هنرمندانه، صنعت ریخته گری و همچنین تقنین نخستین قوانین بشری بوده است. حتی انسان بابلی جهت رصد آسمان اقدام به ساختن برج عظیم بابل می کند که خود مقدمه ای برای پیشرفتهای فضایی امروز است. اما به رغم وجود این همه عظمت و شکوه در تاریخ هفت هزار ساله اقوام ایران، کمتر سازمان و موسسه دولتی ای مایل است تا اقدام به تحقیق و تفحص در این وسعت کهن و پنهان کند. در مقابل همین نهادها با برق انداختن سنگهای تخت جمشید فقط می کوشند تا تاریخ این مملکت کهن را به کوروش و داریوش برگردانند».

پور پیرار اظهار داشت: «مثلاً در مورد تمدنی که از جیرفت سر بر آورده است تا دو سال تمام، دست سارقان و یاغیان در سرقت و یغمای آثار نفیس این منطقه باز گذاشته شده بود و سازمان میراث فرهنگی کوچکترین توجهی به گزارشهای مسئولین دلسوز نمی کرد!» او افزود: «برای من ثابت شده است که این سازمان عریض و طویل هیچ علاقه ای به تاریخ و فرهنگ قبل هخامنشی ندارد. اینها فقط خود را خدمتگزار تاریخ هخامنشی می دانند!»

پس از نمایی اشکال و تصاویر آثار تاریخی، پور پیرار اظهار داشت: «همه این قبیل آثار نفیس تمدنی بشر شرق میانه، کوتاه زمانی پس از به قدرت رسیدن هخامنشیان از صفحه تاریخ گم می شود بنوعی که پس از ۱۲۰۰ سال آثار تمدنی مکشوفه در همین منطقه بسیار ابتدائی است و نشان دهنده ضعف شدید علمی، هنری و مدنی اقوام سازنده آن می باشد!».

او می پرسد چه شده است که ناگهان پس از گذشت ۱۲۰۰ سال از حکومت هخامنشیان اقوام فلات ایران به رغم سیر محتوم تکاملی دچار چنین نزول دهشتناکی شده اند؟! پور پیرار با تکیه بر همین نکته اعلام داشت که وقوع یک حادثه عظیم و بسیار مهلک سبب اهلاک و قهقراي تمدنی در فلات این سرزمین

شده است. او با بازخوانی آیات معینی از کتاب مقدس تورات به حادثه ای تحت عنوان «پوریم» اشاره می کند و از قول قوم یهود می گوید: مطلع شدیم که مردم منطقه شرق میانه تصمیم به نابودی یهودیان گرفته اند. پس ما پیشدستی کردیم و با کمک هخامنشیان دشمنان خود را در سیزدهم ماه ادار از بین بردیم و ۷۷ هزار تن از آنها را هلاک کردیم!

پور پیرار با این پرسش بحث خود را آغاز می کند که چرا وقتی مورخان غربی از طوفان نوح و ساختن کشتی نوح به تفصیل سخن می گویند در قبال حادثه پوریم سکوت اختیار کرده اند و حتی در دائره المعارفها نیز در مورد این ماده سخنی به میان نیامده است؟! او افزود: «سندی از دوران هخامنشان تحت عنوان کتیبه بیستون در دست است که در آن سنگ نوشته، شرح مقاومت های ملل تحت ستم هخامنشیان علیه داریوش ثبت شده است. در این کتیبه از قیام های سراسری و مستمری سخن گفته می شود که همزمان با آمدن داریوش در سراسر قلمروی هخامنشیان بوقوع پیوسته و هخامنشیان نیز جهت خاموشی شورشها به شدیدترین سرکوبها و قتل عامها متوسل شده اند. پور پیرار معتقد است این نبرد جمعی علیه داریوش خودجوش نیست و به نوعی تحت کنترل یک سازمان مرکزی ضد هخامنشی قرار دارد و این سازمان به دلیل همپیمانی یهودیان با جلادان هخامنشی خواهان نابودی دشمنان خویش می باشد.

پور پیرار معتقد است: «بعد از فاجعه پوریم منطقه به قدری خالی از سکنه شده که بشر برای ۱۲۰۰ سال در شرق میانه قادر به تولید یک سنجاق سر نیز نشده است. اما به رغم این مسائل برخی از مورخان از یافته شدن آثار ساسانی خبر می دهند. مطابق ادعای این مورخان، بشقابها و کوزه های یافته شده مربوط به مناطق اورال، ایتالیا و بلغارستان است. توجه کنید که همه این آثار در خارج از فلات ایران امروز یافته شده است. می پرسیم این آثار چگونه خود را به آن نواحی دور دست رسانده اند؟! در مورد منطقه اورال می گویند که ایرانیها در دوران ساسانی به پوست خرس علاقه داشتند لذا در مبادلات پایاپای، بشقاب ساسانی می دادند و پوست خرس اورالی می گرفتند!». پور پیرار می پرسد: «پس از چه روی تاکنون در درون فلات ایران، بعنوان مرکز اصلی این تولیدات فرضی، هیچ اثری یافت نشده است؟!».

او همچنین می گوید: «توجه داشته باشید که برخی از آثار مکشوفه منسوب به دوران ساسانی به حدی تازه و صیقلی است که مورخ در نگاه اول به جعلی بودن آنها پی میبرد!». پور پیرار از بشقابی سخن می گوید که منسوب به یزگرد سوم ساسانی است. او می گوید: «به دلیل تشابه تاج نقش اسب سوار موجود در این بشقاب با نقوش سکه های ادعایی دوران یزرد گرد، آنرا ساسانی و مربوط به یزرد گرد سوم می دانند». او می پرسد: «اما چرا آن سکه ها ساسانی دانسته شده اند؟ در جواب می گوید: «همین مورخان به دلیل تشابه نقوش این سکه ها به آن بشقاب آنرا ساسانی می دانند!». وی با به مسخره گرفتن وجود چنین تسلسل باطلی در استدلالات تاریخی این توجیهات را تلاشی برای تاریخ سازی جهت ملل و اقوام ایران می داند.

او بار دیگر به کتیبه بیستون اشاره می کند و نام برخی از اقوام مندرج در آن کتیبه را می خواند. اقوامی همچون اووجه، مودرای، سه ته گوشه، رخج، ... که در حال حاضر تنها و تنها یک نام از آنها بر روی سنگ نوشته مذکور باقی مانده است و دیگر هیچ! او می گوید: «همه این اقوام در فاجعه پوریم به دست هخامنشیان و یاوران آنها کشته شده اند. به همین دلیل است که در ایران امروز هر جا کاویده می

شود تمدن نابود شده ای از دل خاک سر بر می آورد. تمدنی که ثروتهای آن رها شده است!». او مجدداً می پرسد: «اگر سبب این اتفاقات مهلک یک حادثه طبیعی است چرا بازماندگان برای بازیافت این ثروتها همچون همیشه باز نگشته اند؟!». او به اکتشافات آقای نگهبان در حوزه تمدن مارلیک اشاره می کند و از اشیاء بسیار نفیس و رها شده ای در عمق نیم متری زمین خبر می دهد که تنها به دلیل گذر زمان با خاک و شن پوشیده شده است. چرا هیچ کس به رغم اینکه این اشیاء بسیار بسیار نفیس سالهای سال بر روی زمین قابل مشاهده بوده اند جهت تصاحب آنها اقدام نکرده است؟! پور پیرار می گوید: «جواب این سؤال مرگ همه انسانها و اقوام آن روز ایران است!». پس مورخان جهت پر کردن این شکاف عظیم تمدنی اقدام به جعل اوستا و مانی و مزدک کرده اند. من معتقدم همه کیتبه های واقع در جنوب ایران جعلی است و از صد سال پیش توسط برخی از مراکز غربی و از جمله دانشگاه شیکاگو در نقش رجب و نقش رستم کشف شده اند».

او معتقد است که پس از فاجعه هستی سوز پوریم تا طلوع اسلام بخش بزرگی از فلات ایران فاقد شواهد تمدنی است. پور پیرار مدعی است: «حتی با طلوع اسلام اسامی اشخاص و اماکن مجدد وضع می شوند». او می گوید هر اسمی در هر زبانی معنایی دارد. مثلاً بویوک در تورکی، احمد در عربی و... اما چرا در شاهنامه به هنگام اشاره به اسامی ایران باستان کلماتی مطرح می شوند که فاقد هرگونه معنا هستند؟ او از سیصد اسم همچون رستم، منیژه، بیژن و... نام می برد که کوچکترین معنایی را تداعی نمی کنند! پور پیرار تاکید می کند که او اصلاً قصد تخریب قوم یهود را ندارد و بهیچوجه دشمن یهود نیست و می گوید بدون هرگونه حب و بغض نسبت به تاریخ ایران بیانیید یافته های تاریخی جدید را بررسی کنیم. او تاکید می کند: «در کمال تأسف مقامات کنونی جمهوری اسلامی حاضر نیستند به این یافته ها و تحلیلهای جدید تاریخی توجه کنند. به همین دلیل است که وزارتخانه های آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش عالی و همچنین صدا و سیما و میراث فرهنگی همه ساکتند!». او می گوید: «از چه روی مقامات جلوی بیان حماسه های دروغین شاهنامه را بعنوان تاریخ نمی گیرند اما مانع از بیان یافته های جدید تاریخی می شوند؟!».

سخنرانی پور پیرار در میان تشویقهای مکرر بیش از چهارصد دانشجوی حاضر در سالن به پایان رسید. اما در انتهای سالن جمعی که تعداد آنها کمتر از سی نفر بود و به زبان فارسی صحبت می کردند بارها کوشیدند تا با فریادها و سوتهای خود نظم سالن را به هم ریزند. در دستان آنها ویژه نامه نشریه تخته سیاه، ارگان انجمن اسلامی دانشگاه زنجان نیز به چشم می خورد که علیه کتابهای پور پیرار نوشته شده و در سطح وسیعی توزیع شده بود.

سپس نوبت به بخش سئوالات حضار رسید. آقای سید حسینی مجری این برنامه جهت هر چه دمکراتیک برگزار شدن اجلاس پیشنهاد شفاهی مطرح شدن پرسشهای مخالفین را به رغم وجود تعداد کثیری از سئوالات مکتوب پذیرفت. اولین سؤال از آن یک دانشجوی مخالف بود. او با قرآنت آیه ای از قرآن کریم به کلمه مجوس اشاره کرد و گفت که به رغم ادعاهای شما قرآن مجوسان یعنی گیر آنها به رسمیت شناخته است. پور پیرار با بیان اینکه قرآن افصح الکتب است اظهار داشت مجوس به معنی گیر نیست و دلالت بر کسانی غیر از صابئین و اهل ذمه دارد. این دانشجو مجدداً پرسید چگونه از تمرکز توجه میراث فرهنگی بر تخت جمشید سخن می گوید که در حال حاضر آنها نسبت به ساخت سد سیوند و نابودی تنگه بلاغی و آثار تخت جمشید بی تفاوتند؟

پور پیرار اظهار داشت از بیست سال پیش در خصوص ساخت این سد در مطبوعات خبر رسانی شده است. اکنون چه شده که طی یک سال گذشته ناگهان بحث خطرات آبیگری سد سیوند از طرف جمعی باستانگرا مطرح شده است؟!

همین دانشجو با تاکید بر تحریف شدن تورات اعلام کرد که پوریم مورد نظر تورات مربوط به بخش تحریف شده آن می باشد. مخالف دیگری بر سن رفت و با قرائت چند بیت از ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه را کتابی دانست که تاریخ واقعی ایران را ترسیم و بیان کرده است. او با اشاره به آیه روم در قرآن کریم اظهار داشت که ترکیب قرآنی غلبت الروم به معنای تسلط امت اسلام بر دو امپراطوری روم و ایران است!

سومین سؤال از طرف فردی مطرح شد که با حمله به سن خود را به تریبون رساند و اظهار داشت که خود شیرازی است و پدر بزرگی ۱۰۷ ساله دارد که در سن ۱۷ سالگی سوار بر الاغی از کنار مکعب زرتشت گذشته و این بنا را دیده است. شما چگونه مدعی جعلی بودن این مکعب و نوساز بودن آن طی ۶۵ سال گذشته هستید؟!

پور پیرار اظهار داشت شما اصلا به حرفهای من گوش نکرده اید. من می گویم کتیبه های صد سال گذشته جنوب ایران جعلی است. من نمی گویم مکعب زرتشت جعلی می باشد. من مدعی جعلی بودن کتیبه های نقر شده بر روی آن هستم!

این بار یک دانشجوی موافق بر سن رفت. او که به شدت مورد فحاشی مخالفین قرار گرفته بود اظهار داشت: اگر حق گو نیستید لاقل جرات شنیدن حق را داشته باشید. وی با اشاره به اینکه ملت‌های اروپایی برای قرنهای متمادی بر اساس فیزیک ارسطویی زمین را مرکز جهان می دانست اظهار داشت: آقایان مخالف باور کنید که دوران علمی ادعاهای شما سرآمده و زمین شما دیگر مرکز جهان نیست!

این دانشجوی موافق اظهار داشت در میان ما اکنون در این جلسه کمتر کسی است که به دروغین بودن نصب یازده ترجمه از شعر معروف «بنی آدم سعدی» بر سر در سازمان ملل اطلاع داشته باشد! او نتیجه گرفت وقتی بسیاری از موضوعات قابل مشاهده امروز را برای ما تا به این حد دروغ گفته اند دیگر وای به حال تاریخ ایران باستان! این دانشجو در پایان در خصوص قدمت و ارزش استوانه معروف به حقوق بشر کوروش سؤال کرد. پور پیرار اعلام داشت: در این خصوص دروغهای بزرگی گفته شده است. جهت تعیین قدمت کل استوانه و یا لاقل بخشهایی از جملات این استوانه نیازمند زمان سنجی فیزیکی هستیم. و همچنین گفت که حتی در صورت فرض صحت این استوانه، ولین قوانین نوشته شده بشری بسیار بسیار قدیمیتر از تاریخ حضور کوروش است ضمن اینکه مطالب این استوانه نیز به دلیل نگارش از طرف قوم فاتح می تواند امری غیر حقوقی و کاملا سیاسی تلقی شود.

آخرین مخالف به دنبال تهدید شدیدالحن مسئولین سیمنا در پشت تریبون قرار گرفت. او با تاکید بر بی ارزش بودن کتاب تورات و نیز بیان جمله ای از ریچارد آرمیتاژ یکی از سیاستمداران آمریکائی در خصوص بربریت پارسیان در عصر کوروش و داریوش، پور پیرار را دشمن پارسیان، پان تورکیست، عرب زده، مامور مستقیم سازمانهای جاسوسی آمریکا و اسرائیل دانست که قصد بی هویت

کردن تاریخ ایران را دارد.

با اعلام اتمام وقت از طرف مجری حدود پنج تن از مخالفین وی با نعره های بلند، پور پیرار را مورد فحاشی قرار داده وی را تهدید به حملات فیزیکی مهلکی کردند. اما بدنبال عکس العمل صدها تن از موافقین پور پیرار این تعداد به همراه جمعی از سمپاتهای خود ضمن قرائت سرود ای ایران مجبور به ترک جلسه شدند. اما همچنان در راهروهای ورودی ماندند و منتظر پور پیرار شدند. حتی یکی از آنان به فیلمبردار سمینار حمله ور شد و او را مورد تهدید و ضرب و شتم قرار داد. سرانجام به دنبال حضور جدی حراست دانشگاه این مورخ دگراندیش به بیرون هدایت شد. پور پیرار در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران حاضر در اجلاس در خصوص علت رفتارهای خشونت آمیز معدود مخالفین خود گفت: «این آقایان در حال مشاهده فرو ریختن بنای شیشه ای عظیمی هستند که طی هشتاد سال گذشته با مکعب هایی از جعل و جهل برای آنها ساخته است... به آنها حق دهید که خشمگین باشند!».